

رهبر انقلاب کدام نگاه‌ها را ظاهر‌بینانه خواندند نسخه‌هایی که به درد شهریور ۲۰ می‌خورد



در سال‌های اخیر، در فضای سیاسی ایران جر یانی بارها نسخه‌هایی مطرح کرده که همه مشکلات کشور را به نبود گفت‌وگوی مستقیم با آمریکا تقلیل می‌دهد. این جریان، ریشه دشمنی‌ها را سطحی می‌بیند و معتقد است اگر چند دور مذاکره انجام شود، اختلافات پایان می‌یابد. رهبر انقلاب در سخنان اخیرشان نسبت به برخی ظاهر‌بینی‌ها هشدار دادند و گفتند «این کسانی که می‌گویند؛ آقا! شعار ندهید علیه آمریکا، عصبانی می‌شوند، با شما دشمنی می‌کنند؛ این‌ها ظاهر‌بینند» همان ذهنیتی که در دوران روحانی، به اعتراض علیه شعار نویسی روی موشک رسید و خواستار حذف نمادهای مقاومت شد. گویی اگر ملت ایران شعار ندهد یا موشک نداشته باشد، دشمنی پایان می‌یابد. این همان نگاه سطحی است که تلاش می‌کند ریشه دشمنی را در داخل کشور جست‌وجو کند. در همین چهارچوب، بارها تکرار شد که «ایران باید اعتمادسازی کند»، «ایران باید تغییر رویه دهد»، یا «ایران باید سیاست‌هایش را اصلاح کند». به بیان دیگر، این تفکر خواسته یا ناخواسته این پیام را القای‌کند که ایران مقصر اصلی است و اگر امتیاز بیشتری بدهد، همه مشکلات حل خواهد شد. اما تجربه نشان داده هر بار که آمریکا پای میز مذاکره آمده، مطالباتش از موضوع گفت‌وگو فراتر رفته؛ از محدودسازی توان دفاعی تا تغییر در سیاست‌های منطقه‌ای و حتی فشار برای دگرگونی در ساختار داخلی. نسخه‌ای که همه مشکلات کشور را به «چند دور مذاکره مستقیم» حواله می‌دهد، پیش از آنکه راه‌حل باشد، یک توهم خطرناک است. چنین ساده‌انگاری‌هایی در تاریخ ایران بی‌سابقه نیست؛ شهریور ۱۳۲۰ نمونه‌ای روشن است که دولت وقت با خوش‌باوری نسبت به غرب کشور را در برابر اشغال بی دفاع گذاشت. آنچه رهبر انقلاب بر آن تأکید دارند این است که مذاکره‌فی نفسه نفی نشده، اما اگر با ظاهر‌بینی و ساده‌لوحی همراه شود، به جای گره‌گشایی، به ابزار فشار و سلطه تغییر کاربری خواهد داد.

■ ■ ■

■ **عارف؛ مذاکره مستقیم به عنوان «گزینه جدی»**

محمدرضا عارف، معاون اول رئیس‌جمهور، در هفته‌های گذشته در سخنانی آشکارا از ضرورت مذاکره مستقیم با آمریکا سخن گفت. او تأکید داشت که «برای حل مشکلات کشور باید باب گفت‌وگو باز شود» و در این مسیر «مذاکره مستقیم با آمریکا یک گزینه جدی» است. در نگاه عارف، گویی همه پیچیدگی‌های روابط ایران و آمریکا به چند اختلاف سیاسی تقلیل یافته که با کمی انعطاف و بنده‌بستان می‌توان آن‌ها را حل کرد. این نگاه در تضاد با تجربه برجام و پس‌برجام قرار می‌گیرد؛ تجربه‌ای که نشان داد آمریکا حتی در اوج مذاکره و توافق مکتوب هم به تعهدات خود پایبند نمی‌ماند. از همین‌روست که رهبر انقلاب چنین نگاه‌هایی را «ظاهر‌بینانه» می‌نامند؛ چون عمق منازعه یعنی مطالبه سلطه و تغییر رفتار بنیادین ایران در آن نادیده گرفته می‌شود.

■ ■ ■

■ **تجربه «حسن روحانی» از «مذاکره مستقیم گره‌گشا»**

در میان این مصادیق، حسن روحانی جایگاه ویژه‌ای دارد. او که معمار مذاکرات مستقیم با آمریکا در دولت یازدهم بود، در سخنانی بار دیگر از تجربه تماس تلفنی با باراک اوباما دفاع کرد و گفت: «ما نشان دادیم که مذاکره مستقیم می‌تواند گره‌گشا باشد». روحانی به ماجرای برجام اشاره کرد و بر این باور بود که اگر مسیر مذاکره مستقیم ادامه می‌یافت، می‌توانست بسیاری از مشکلات را حل کند. اما واقعیت تجربه برجام نشان داد که با وجود تمام توافقات و امضاها، آمریکا به راحتی از توافق خارج شد و تحریم‌های تازه‌ای را تحمیل کرد. از همین‌روست که چنین دیدگاه‌هایی در همان قالب «ظاهر‌بینانه» قرار می‌گیرد.

■ **قائم‌پناه و خاموش کردن آتش جنگ با مذاکره**

محمدجعفر قائم‌پناه، معاون اجرایی رئیس‌جمهور نیز اخیراً با یکی از رسانه‌ها

رهبر انقلاب کدام نگاه‌ها را ظاهر‌بینانه خواندند

مصاحبه‌ای کرده و آن‌طور که رسانه‌های همسویا دولت از قول او تیر زدنند گفته است که: «خاموش کردن آتش جنگ با مذاکره ممکن است». چنین نگاهی ساده‌ترین تحلیل ممکن از بحران‌های امنیتی است. وقتی طرف مقابل آشکارا بر طبل جنگ و حمله می‌کوبد، چگونه می‌توان «خاموش کردن آتش» را صرفاً به نشستن پای میز مذاکره گره زد؟ تجربیات اخیر نشان داده که طرف مقابل تنها زمانی پای میز مذاکره کوتاه آمده که در میدان، مقاومت و بازدارندگی ایران را لمس کرده است. به همین دلیل است که رهبر انقلاب مذاکره را فی نفسه نفی نمی‌کنند، اما نسخه‌پیچی ساده‌ای چون «هر جنگی را می‌توان با مذاکره خاموش کرد» نشانه‌ای از سطحی‌نگری و خوش‌خیالی دانسته می‌شود.

■ **موسوی و ساده‌انگاری**

بیانیه میرحسین موسوی ۲ هفته پس از حملات آمریکا و اسرائیل به ایران اهم می‌شود در همین چهارچوب بررسی کرد. او در حالی که مردم ایران با جان و دل مقابل دشمن ایستادند، به جای تمرکز بر ماهیت تجاوز آمریکا و اسرائیل، ظاهر ماجرا را گرفته و نتیجه را به ناکارآمدی سـاخـتار داخلی پیوند می‌زند. موسوی از این مقاومت فقط پوسته بیرونی را می‌بیند و بر مبنای همین ظاهر حکم به تغییرات بنیادی مثل رفراندوم و مجلس مؤسسان می‌دهد. این همان سطحی‌نگری است که طرف آمریکایی را امیدوار و ملت را دل‌سرد می‌کند.

■ **عبدالعلی‌زاده؛ از مکران تا واشنگتن**

محمدعلی عبدالعلی‌زاده، نماینده ویژه رئیس‌جمهور در اقتصاد دریا‌محور نیز در فضای رسانه‌ای اخیر به شکلی غیر منتظره موضوع مذاکره با ترامپ را پیش کشید. او در حاشیه سخن از توسعه سواحل مکران گفت که «کشور ناگزیر است با آمریکا وارد مذاکره شود و حتی مذاکره با ترامپ نیز نباید خطر رمز تلقی گردد.» این نگاه نیز همان الگوی ساده‌سازی است. یعنی تقلیل مشکلات کلان کشور به تصمیمی مقطعی برای نشستن پای میز مذاکره. در حالی که تجربه نشان داده مذاکره با دولت‌های مختلف آمریکا چه دموکرات و چه جمهوری خواه همیشه یک خط اصلی را دنبال کرده و در واقع فشار برای تغییر رفتار راهبردی ایران بوده است.

■ **نسخه ۱۸۰ اقتصاددانان**

یکی از عجیب‌ترین نمونه‌ها، بیانیه‌ای بود که با امضای ۱۸۰ اقتصاددان و استاد دانشگاه منتشر شد. این گروه در بیانیه خود به سیاست «بی‌طرفی» ایران در سال ۱۳۲۰ اشاره کردند و استدلال کردند که امروز نیز باید با رویکردی مشابه، کشور را از فشار هابیرون برد. مضمون آشکار بیانیه این بود که «تنها راه عبور از بحران اقتصادی و فشارهای خارجی، تغییر در سیاست خارجی و مذاکره فعالانه است.» این در حالی است که بسیاری از امضاکنندگان، خود وابسته به جریان‌هایی هستند که در سال‌های گذشته نسخه‌های مشابهی را از مودبانه‌تبعیان چیزی جز تحریم‌های گسترده‌تر وین‌بست‌های تازه نبود. بی‌طرفی ۱۳۲۰ که نویسندگان به آن استناد کردند، عملاً به اشغال ایران و تحقیر ملی منجر شد؛ حال چگونه می‌توان همان نسخه را در شرایط کنونی به عنوان راه‌حل معرفی کرد؟ این دقیقاً همان ظاهر‌بینی است که در دیدن یک مقطع تاریخی به عنوان «الگوی نجات»، بی‌توجه به پیامد‌های واقعی نمود پیدا می‌کند.

■ **فانتزی بازی اصلاحات**

در کنار افراد، جریان‌های سیاسی نیز وارد میدان شدند. بیانیه اخیر جبهه اصلاحات نمونه‌ای روشن است. در این بیانیه تأکید شده که «راه‌حل مشکلات کشور در تغییر رویکرد خارجی و آغاز مذاکرات جدی با آمریکا و اروپا» است. اما آنچه بیش از همه به چشم می‌آید، زبان رمانتیک و آم‌ان‌گرایانه بیانیه است؛ گویی با یک نشست‌فوری و چند دیدار دیپلماتیک می‌توان همه مشکلات اقتصادی، اجتماعی و حتی امنیتی کشور را برطرف کرد. چنین بیانیه‌هایی مصرف رسانه‌ای دارند، اما در عرصه واقعیت سیاسی عملاً به معنای دعوت به عقب‌نشینی و پذیرش سلطه‌اند. همین نگاه است که رهبر انقلاب آن را «نسخه‌پیچی ساده و ظاهر‌بینانه» خواندند.

در نقد اظهارات ناپختهٔ محمد صدرو چند چهرهٔ دیگر در یک برنامهٔ اینترنتی

به اسم دیپلماسی علیه دیپلماسی



در فضای رسانه‌ای برنامه‌های گفت‌وگو محور با چهره‌های سیاسی می‌توانند ابزار مهمی برای شفاف‌سازی یا هدایت افکار عمومی باشند اما وقتی به جای روشنگری به طرح اظهارات غلط و یا غیرضروری منجر شوند صرفاً اَلتهاب آفرینی در افکار عمومی را در پی داشته و به منافع ملی آسیب می‌زنند. برنامه محمدحسین رنجبران، مجری سابق صداوسیما و مشاور فعلی وزیر امور خارجه در چند وقت اخیر به سمتی حرکت کرده که می‌توان مدعی شد تا حدی به این آفت دچار شده است. این برنامه که با دعوت از چهره‌های سیاسی مختلف به مسائل سیاست خارجی می‌پردازد، در چند وقت اخیر بارها حاشیه‌ساز شده است. محمدحسین رنجبران که به واسطه سمت مشورنی اش در وزارت خارجه امکان خوبی برای گفت‌وگو با شخصیت‌های سیاسی پیدا کرده است با این گفت‌وگو‌ها احتمالاً این هدف را مدنظر دارد که فضای افکار عمومی را با وزارت خارجه همسوتر کرده و بسترهای اجتماعی و سیاسی برای پیشبرد تصمیم‌های وزارت خارجه ایجاد نماید. حرکت در این مسیر اما الزاماتی دارد که مهم‌ترین آن پرهیز از حاشیه‌سازی‌های غیرضروری است. غرق شدن در حواشی می‌تواند ماهیت برنامه را به ضد اهداف آن تبدیل کند. حواشی شاید منجر به دیده شدن یک برنامه شود اما در نهایت اولاً به خود آن برنامه آسیب‌زده و از آن اعتبارزدایی می‌کند و ثانیاً به هدف اصلی که بسترسازی سیاسی و اجتماعی در سیاست خارجی است آسیب می‌زند؛ چراکه در روابط خارجی ایران با کشورهای مختلف تنش‌های غیر ضرور به وجود آورده و پیش از آنکه وزیر خارجه بخواهد تصمیمی در حوزه سیاست خارجی را عمویت بخشد در مسیر تحقق آن انسداد به وجود می‌آورد.

■ ■ ■

■ **آقای راننده تند رو**

در جدیدترین جنجالی که برنامه گفت‌وگو محور محمدحسین رنجبران با چهره‌های سیاسی به وجود آورده اخیراً و بدتوی مصاحبه با محمد صدر، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام منتشر شده است.

این عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام بعد از آنکه بدون ارائه هیچ‌گونه شواهدی مدعی شد در جنگ ۱۲ روزه اخیر و نیز در حمله اسرائیل پس از عملیات وعده صادق ۲ اسرائیل تمام مراکز پدافندی ایران را مورد هدف قرار داده است، بر مبنای تحلیل شخصی‌اش و بدن هیچ مدرک مستند روسیه را متهم می‌کند که محل دقیق را به اسرائیل اطلاع داده است. او در حالی از جایگاه یک مقام دارای مسئولیت حقوقی برای اسرائیل دستاوردسازی کرده و در ادامه نیز اظهارات روس‌ستیزانه مطرح می‌کند که اولاً هیچ مدرکی ارائه نداده و اذعان می‌کند که این موارد تحلیل شخصی اوست و ثانیاً طرح چنین اظهاراتی حتی اگر درصدی صحت هم داشته باشد ِ که روکرد غیر مستند صدر خلاف آن را نشان می‌دهد ِ هیچ کاربردی جز تنش آفرینی در روابط بین الملل ندارد.

اگر یک نفر صرفاً با تکیه به نظرات شخصی خودش به دیگران اتهام‌زنی کند نیاز به مهارت سیاسی نداشته و یک فرد بدون دانش سیاسی و مسئولیت حقوقی نیز می‌تواند چنین کند اما اینکه کسی در یک نهاد تصمیم‌گیر حضور داشته و این چنین تیغ به ریشه سیاست خارجی می‌زند این است که غالباً حواشی این برنامه باز نشر می‌شود. اگر در خروجی برنامه نکات راهبردی و جهت‌دهنده در افکار عمومی استخراج نشود طراحان برنامه باید ضمن مرور این پرسش که چه نسبتی با اهداف تعیین شده دارند در شیوه اجرا و محتوای برنامه خود بازنگری داشته باشند.

در نقد اظهارات ناپختهٔ محمد صدرو چند چهرهٔ دیگر در یک برنامهٔ اینترنتی

به اسم دیپلماسی علیه دیپلماسی

حال آنکه اولاً بخش‌های عمده این پیمان اقتصادی بوده و ثانیاً در حوزه امنیتی نیز چهره‌های دارای جایگاه حقوقی اولاً باید در محافل تخصصی و تصمیم‌گیر در مورد کارا بدون آن بحث کنند و ثانیاً برای هر ادعا و تجویزی نیز مدرک قابل استنادی ارائه دهند.

■ **حمله به روایت رسمی**

صدر در دومین ادعای جنجال‌برانگیز خود سقوط بالگرد شهید رئیسی در ورزقان را «ترور» توسط اسرائیل خواند و گفت: «اسرائیل با این ترور پیام عملی داد که اگر ایران ادامه دهد، ما هم ادامه خواهیم داد.» این ادعا نیز بدون هیچ سند یا آماری مطرح شده و روایت رسمی که حادثه را ناشی از عوامل فنی و جوی دانسته نقض می‌کند. این اظهارات دو مشکل اساسی ایجاد می‌کند. اولاً برای اسرائیل دستاوردسازی رایگان می‌کند در حالی که هیچ شواهدی برای ترور وجود ندارد. ثانیاً با رد روایت رسمی اعتماد عمومی به نهادهای اطلاع‌رسانی را تضعیف می‌کند. این اظهارات در حالی در مصاحبه با محمدحسین رنجبران طرح شد که با پرس‌وجوی جدی و چالشی از سوی مجری مواجه نشد. این مواجهه مغفلانه سیاست‌گذاری ضعیف برنامه را نشان می‌دهد که به جای روشنگری فضا را برای حاشیه‌سازی باز می‌گذارد.

■ **حاشیه به متن تبدیل نشود**

مصاحبه با صدر تنها نمونه از رویکرد حاشیه‌ساز برنامه رنجبران نیست. در گفت‌وگویی که این فعال رسانه‌ای با علی اکبر صالحی، رئیس سابق سازمان انرژی اتمی داشته است پس از آنکه رنجبران از صالحی می‌پرسد که «آیا جنگ ادامه پیدا می‌کند یا نه؟» صالحی بعد از سکوت و نشان دادن کلافگی می‌گوید «وسلام علیکم ورحمه‌الله وبرکاته» تا به این طریق ناخواسته جامعه را در هراس جنگ نگه دارد. البته صالحی در ادامه تأملی کرده و توضیح می‌دهد که ما باید در این شرایط فرض کنیم فردا جنگ می‌شود و خوش‌خیال نباشیم. اینکه ایران باید برای جنگ آمادگی داشته باشد امری بدیهی است اما این آمادگی مربوط به مدیران اجرایی و نهادهای نظامی و امنیتی است. تأکید این جمله که به‌زودی جنگ می‌شود برای مردم کارایی نداشته و صرفاً به نگرانی در جامعه دامن می‌زند.

در دیگر مصاحبه حاشیه‌ای رنجبران در برنامه جدیدش مسئول دفتر رئیس‌جمهور نیز حضور یافت. محسن حاجی میرزایی جزئیات حمله ناموفق اسرائیل به جلسه شورای عالی امنیت ملی از زاویه دید خودش روایت کرد و توضیحاتی در مورد نحوه خروج مسئولان از محل مورد هدف قرار گرفته و یا خاکی بودن لباس رئیس ستاد کل نیروهای مسلح را مطرح کرد.

این روایت‌ها در حالی عمدتاً از سوی اعضای دولت تکرار می‌شود که دیگر حاضران آن جلسه از پرداختن غیرضروری در مورد جزئیات پرهیز دارند. تکرار این جزئیات که جز موشوش کردن افکار عمومی دستاوردی ندارد چه هدفی را دنبال می‌کند؟ این تکرار غیرضروری شائبه بهره‌برداری سیاسی را تقویت می‌کند. البته وزارت خارجه باید از این حادثه برای پیگیری حقوقی در مجامع بین‌المللی استفاده کند اما در این مورد نیز پرداختن غیرضروری ماجرا در فضای رسانه‌ای و تلاش برای حماسه‌سازی از آن ضرورتی ندارد.

نکته مهمی که در مورد برنامه محمدحسین رنجبران به چشم می‌آید این است که غالباً حواشی این برنامه باز نشر می‌شود. اگر در خروجی برنامه نکات راهبردی و جهت‌دهنده در افکار عمومی استخراج نشود طراحان برنامه باید ضمن مرور این پرسش که چه نسبتی با اهداف تعیین شده دارند در شیوه اجرا و محتوای برنامه خود بازنگری داشته باشند.

طبق آخرین نظرسنجی مرکز پيو در ایالات متحده، مردم جهان دیدگاه به شدت منفی تری نسبت به اسرائیل و نتانیاهو پیدا کرده‌اند

مغضوبِ جهان

پویا سلطانی‌زاده

خبرنگار

رهبر انقلاب اسلامی در سال‌روز شهادت امام رضا(ع) و در دیدار با هزاران نفر از اقشار مختلف مردم، ضمن تبیین مسائل روز کشور، در پایان سخنان خود، به وجهه مخدوش رژیم صهیونیستی نیز اشاره کردند و با تأکید بر تنفر ملت‌ها و مسئولان کشورهای مختلف از این غده سرطانی فرمودند: «امروز دشمن ما، آن دشمنی که در مقابل ما قرار دارد، یعنی رژیم صهیونی، منفورترین رژیم دنیا است، منفورترین حکومت دنیا است. ملت‌ها هم از حکومت صهیونی منزجرند، از او متنفرند؛ دولت‌ها هم این حکومت را، حکومت صهیونی را محکوم می‌کنند. یعنی شما ببینید رؤسای دولت‌های غربی که همیشه حامی رژیم صهیونی بودند، امروز آن‌ها را محکوم می‌کنند.»

■ ■ ■

بر اساس تازه‌ترین نظرسنجی مرکز پژوهشی «پيو»، جایگاه بین‌المللی اسرائیل بیش از هر زمان دیگری زیر سؤال رفته است. نتایج این پیمایش در ۲۴ کشور نشان می‌دهد که اکثریت قاطع مردم در اروپا، آسیا و حتی بخش‌هایی از آفریقا، دیدگاهی منفی نسبت به اسرائیل و نخست‌وزیر آن بنیامین نتانیاهو دارند؛ دیدگاهی که هم‌زمان با جنگ غزه و سیاست‌های تندروانه تل‌آویو، ابعاد گسترده‌تری یافته و نشان می‌دهد تصویر اسرائیل در جهان بیش از پیش مخدوش شده است. از سوی دیگر، خود اسرائیلی‌ها معتقدند که اسرائیل در سطح بین‌المللی مورد احترام نیست؛ ۵۸ درصد معتقدند اسرائیل در جهان چندان یا اصلاً مورد احترام نیست، در حالی که ۳۹ درصد بر این باورند که چنین احترامی وجود دارد.

■ **دیدگاه‌های بین‌المللی نسبت به اسرائیل**

در ۲۰ کشور از مجموع ۲۴ کشور مورد بررسی، حدود نیمی از بزرگسالان یا بیشتر دیدگاهی منفی نسبت به اسرائیل دارند. در برخی کشورها مانند استرالیا، یونان، اندونزی، ژاپن، هلند، اسپانیا، سوئد و ترکیه، این میزان به حدود سه‌چهارم جمعیت می‌رسد. در هند، دیدگاه‌ها تقریباً تقسیم شده است؛ ۳۴ درصد نظر مثبت و ۲۹ درصد نظر منفی دارند. در مقابل، در کنیا و نیجریه، تقریباً نیمی یا بیشتر از بزرگسالان دیدگاه مثبتی نسبت به اسرائیل دارند.